

Islamic Knowledge and Insight

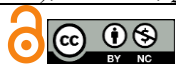
The Eloquence of the Holy Qur'an from the Perspective of Imam al-Ridha (peace be upon him)

1. Isa Madani: PhD Student, Department of Theology and Islamic Studies, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran
2. Mohammad Hossein Tavanaei Sarah Dein*: Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran (Email: Mohammad.Tavanaei@kiaui.ac.ir)
3. Tahmineh Parsaei: Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Abstract

The eloquence of the Holy Qur'an, as one of the dimensions of its miraculous nature, has always attracted the attention of Islamic exegetes and scholars. Imam al-Ridha (peace be upon him), as one of the most distinguished scientific and religious figures in Islam, played a pivotal role in elucidating the rhetorical dimensions of the Qur'an. This article, using a descriptive-analytical approach, explores the views of Imam al-Ridha (peace be upon him) concerning the eloquence of the Qur'an. The findings indicate that Imam al-Ridha (peace be upon him), by emphasizing the semantic and linguistic harmony of the verses, the aesthetic artistry of the text, and the precise use of vocabulary and literary devices, presented a comprehensive image of Qur'anic eloquence. Imam al-Ridha (peace be upon him) regarded the eloquence of the Qur'an not only as a linguistic feature but also as a guiding and ethical tool that conveys divine messages to the audience in an effective and enduring manner. His analyses of the Qur'an's eloquence highlight the profound impact of the Qur'anic language in guiding humankind and demonstrate his deep understanding of both the linguistic and spiritual aspects of this sacred book. Furthermore, the perspectives of Imam al-Ridha (peace be upon him) emphasize the coherence between verses and the overall unity of the Qur'anic text, which has served as a source of inspiration for exegetes and Islamic thinkers in subsequent centuries. This article shows that the views of Imam al-Ridha (peace be upon him) regarding the eloquence of the Qur'an have had profound influences on Qur'anic sciences and contemporary exegesis and continue to be recognized as a valuable resource for analyzing the rhetoric of the Qur'an.

Keywords: *Qur'anic eloquence, Imam al-Ridha (peace be upon him), aesthetics, Qur'anic sciences.*



How to cite: Madani, I., Tavanaei Sarah Dein, M. H., & Parsaei, T. (2025). The Eloquence of the Holy Qur'an from the Perspective of Imam al-Ridha (peace be upon him). *Islamic Knowledge and Insight*, 3(2), 1-15.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 12 February 2025

Revise Date: 27 April 2025

Accept Date: 06 May 2025

Publish Date: 12 July 2025

معرفت و بصیرت اسلامی

بلاغت قرآن کریم از منظر امام رضا (علیه السلام)

۱. عیسی مدنی: دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
۲. محمد حسین توانایی سره دینی*: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (پست الکترونیک: Mohammad.Tavanaei@kiaui.ac.ir)
۳. تهمنه پارسایی: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

بلاغت قرآن به عنوان یکی از ابعاد اعجاز این کتاب الهی، همواره مورد توجه مفسران و اندیشمندان اسلامی بوده است. امام رضا (ع) به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی و دینی اسلام، نقش اساسی در تبیین جنبه‌های بلاغی قرآن ایفا کرده‌اند. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی دیدگاه‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که امام رضا (ع) با تأکید بر هماهنگی معنایی و زبانی آیات، زیبایی‌شناسی هنری متن، و استفاده دقیق از واژگان و صنایع ادبی، تصویری جامع از بلاغت قرآن ارائه داده‌اند. امام رضا (ع) بلاغت قرآن را نه تنها به عنوان یک ویژگی زبانی، بلکه به عنوان ابزاری هدایتی و اخلاقی می‌دانستند که پیام‌های الهی را به شیوه‌ای مؤثر و ماندگار به مخاطب منتقل می‌کند. تحلیل‌های امام رضا (ع) از بلاغت قرآن، بر تأثیرات عمیق زبان قرآن در هدایت انسان‌ها تأکید دارد و نشان‌دهنده درک عمیق ایشان از جنبه‌های زبانی و معنوی این کتاب مقدس است. همچنین، دیدگاه‌های امام رضا (ع) بر تناسب میان آیات و انسجام متن قرآنی تأکید دارد که الهام‌بخش مفسران و متفکران اسلامی در قرون بعدی بوده است. این مقاله نشان می‌دهد که دیدگاه‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن، تأثیرات عمیقی بر علوم قرآنی و تفسیر معاصر داشته و همچنان به عنوان منبعی ارزشمند برای تحلیل بلاغت قرآن شناخته می‌شود.

کلیدواژگان: بلاغت قرآن، امام رضا (ع)، زیبایی‌شناسی، علوم قرآن.

شیوه استناددهی: مدنی، عیسی، توانایی سره دینی، محمد حسین، و پارسایی، تهمنه. (۱۴۰۴). بلاغت قرآن کریم از منظر امام رضا (علیه السلام). *معرفت و بصیرت اسلامی*, ۳(۲), ۱-۱۵.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۴ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۱ تیر ۱۴۰۴

مقدمه

بلاغت قرآن از دیرباز موضوعی بوده که توجه بسیاری از مفسران و اندیشمندان اسلامی را به خود جلب کرده است. قرآن به عنوان کتابی که مخاطب آن تمام اقوام و نسل‌هاست، از ویژگی‌های زبانی و بلاغی بی‌نظیری برخوردار است که به انتقال پیام الهی به شیوه‌ای مؤثر کمک می‌کند. در این میان، فهم بلاغت قرآن نه تنها برای درک دقیق‌تر معانی آن، بلکه برای روشن ساختن پیام الهی و فهم بهتر ارتباط بین آیات ضروری است.

امام رضا (ع)، هشتمین امام شیعیان، نقش برجسته‌ای در تبیین این ویژگی‌های بلاغی قرآن داشته‌اند. دیدگاه‌های امام رضا (ع) در زمینه بلاغت قرآن نه تنها به درک بهتر متون دینی کمک کرده، بلکه راهنمایی برای درک دقیق‌تر آیات الهی بوده است (Safavi, 2020). امام رضا (ع) همانند دیگر ائمه اطهار (ع)، قرآن را کلام مستقیم خداوند دانسته و بر این عقیده بوده‌اند که قرآن نه تنها از نظر محتوا، بلکه از نظر زبان و ساختار نیز دارای اصالت الهی است.

هدف اصلی این مقاله، بررسی دیدگاه‌های امام رضا (ع) در زمینه بلاغت قرآن و تحلیل آن‌ها به روش توصیفی است. این تحقیق می‌کوشد با استناد به منابع و مستندات، ابعاد مختلف بلاغت قرآن را از منظر امام رضا (ع) بررسی کرده و روش‌های آن امام بزرگوار در تبیین این موضوع را تحلیل نماید. این امر نه تنها به روشن شدن جایگاه امام رضا (ع) در علوم قرآنی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به پژوهشگران معاصر در فهم بهتر ویژگی‌های بلاغی قرآن و کاربرد آن در تفسیر آیات یاری رساند.

سؤالات اصلی که این مقاله به آن‌ها پاسخ می‌دهد، به درک عمیق‌تر از دیدگاه‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن کمک می‌کند:

۱. دیدگاه‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن چیست؟
۲. امام رضا (ع) در سخنان خود، چه ویژگی‌های بلاغی قرآن را برجسته کرده‌اند؟
۳. امام رضا (ع) در کدام ابعاد بلاغی قرآن، مانند ترکیب‌بندی، انتخاب واژه‌ها، یا تناسب آیات، بیشترین تأکید را داشته‌اند؟

۴. نوآوری‌های امام رضا (ع) در تفسیر بلاغت قرآن چیست و چگونه می‌توان از آن‌ها در تفاسیر معاصر بهره‌برداری کرد؟

۱. ضرورت تحلیل بلاغت قرآن

تحلیل بلاغت قرآن در متون دینی به دلایل متعددی ضروری است. نخست اینکه، بلاغت قرآن ابزاری است که فهم پیام‌های الهی را برای مخاطبان ساده‌تر می‌سازد و ارتباط عمیق‌تری با متن مقدس برقرار می‌کند. دوم اینکه، فهم بلاغت قرآن برای پاسخ به شبهات مربوط به اعجاز زبانی قرآن ضروری است. بسیاری از منتقدان، با توجه به ویژگی‌های زبانی قرآن، این کتاب را مورد چالش قرار داده‌اند. امام رضا (ع) با استفاده از روش‌های تفسیری خود، به ویژه در زمینه بلاغت، پاسخ‌های مستدل و قانع‌کننده‌ای به این شبهات داده‌اند. بنابراین، بررسی دیدگاه‌های آن امام رئوف در این زمینه می‌تواند به درک بهتر از زبان قرآن و نقش آن در فرهنگ و دین اسلام کمک کند (Wahidi Nishaburi, 2004).

۲. مفهوم‌شناسی

بلاغت در لغت، مصدر «ب، ل، غ» به معنای رسیدن است و بلاغت در سخن به معنای رسیدن به هدف مورد نظر در گفتار است (Ibn Faris, 2003). گاه نیز بلاغت به «ابلاغ» (مصدر باب افعال) به معنای رساندن تفسیر شده و بلاغت در سخن به رساندن معنا در بهترین ساختار زبانی به نحوی آشکار تعریف می‌شود (Abu Hilal al-Askari, 1998). بلاغت در مفهوم اصطلاحی آن، گاه عنوان یک دانش از شاخه‌های علوم ادبی زبان عربی است و گاه به سان اصطلاح «بلیغ» در وصف گونه خاصی از سخن یا گوینده آن به کار می‌رود (Firuzabadi).

در زبان‌شناسی و ادبیات عرب، بلاغت بر توانایی در استفاده از واژه‌ها و جملات به شکلی هنری و مؤثر اشاره دارد که به وسیله آن، معنا با بیشترین تأثیر و وضوح به مخاطب منتقل می‌شود. این مفهوم در قرآن‌شناسی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا قرآن به عنوان معجزه الهی، نه تنها از نظر محتوایی، بلکه از نظر شیوه بیان و ساختار زبانی نیز مورد توجه قرار گرفته است. لغویان و علمای بلاغت به ویژه بر این باورند

که بلاغت قرآن، یکی از ابعاد اعجاز آن است که باعث شده مخاطبان در طول تاریخ به طور یکسان از آن تأثیر پذیرند (Ibn Faris, 2003).

۳. بلاغت و ضرورت کاربرد آن در قرآن

از ضرورت کاربرد بلاغت در قرآن همین بس که خداوند به بلاغت و نظم قرآن با منکران تحدی کرده است. از جمله در آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا...» (سوره بقره: ۲۳-۲۴)، برداشت تحدی به بلاغت بر این اساس است که مشخص‌ترین حالت مخاطبان عصر نزول قرآن، فصاحت و بلاغت بوده است. به گونه‌ای که هیچ یک از امت‌ها به این مرتبه از بلاغت نبوده‌اند (Tabatabai, 2023).

همچنین، خداوند متعال در قرآن برای بیان مقاصد خود در هر مقامی، شیواترین و زیباترین الفاظ و سنجیده‌ترین و خوش‌آهنگ‌ترین ترکیبات را به کار گرفته و با بهترین و رساترین وجه، معانی مورد نظر را به مخاطبان می‌فهماند. تشخیص معجزه بودن فصاحت و بلاغت قرآن از کسانی ساخته است که مهارت و تخصص فنون سخنوری را داشته باشند و آن را با دیگر سخنان فصیح و بلیغ مقایسه کنند. ولید بن مغیره، عتبه بن ربیع و طفیل بن عمرو به نهایت فصاحت و بلاغت قرآن گواهی داده‌اند (Ibn Hisham, 1955).

بلاغت در کلام به معنی مطابقت آن با مقتضای حال خطاب، همراه با فصاحت الفاظ مفرد و مرکب آن می‌باشد. قرآن کریم فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین کلام عرب است، به گونه‌ای که بسیاری از علمای تفسیر و علوم قرآنی، وجه اعجاز قرآن کریم را در اسلوب بدیع و بی‌نظیری که در سراسر قرآن و در تمامی سوره‌های آن به چشم می‌خورد، دانسته‌اند. چرا که از طرفی، براهین عقلی و نقلی دلالت بر آن دارد که معجزه انبیای گذشته با پیشرفته‌ترین علوم و فنون عصر نبوت شباهت داشته و از طرفی، تحدی قرآن کریم به آوردن یک سوره انجام شده است (Khoei, 2016).

بدین ترتیب، وجه اعجاز قرآن باید چیزی باشد که هم متناسب با پیشرفته‌ترین علوم و فنون رایج در عصر جاهلیت باشد و هم در همه سوره‌های قرآن وجود داشته باشد، و آن چیزی جز اسلوب فصیح و بلیغ این کتاب آسمانی که در حد اعجاز و ما فوق قدرت بشری است، نمی‌تواند باشد (Mir Mohammadi Zarandi, 2021).

بنابراین، مفسر قرآن کریم درصدد تفسیر آیاتی است که در اوج فصاحت و بلاغت است و بدیهی است که جز با آگاهی از علوم بلاغی، از درک اسرار معجزه‌آسای آیات و رموز شگفت‌انگیز ادبی که از ربط بدیع الفاظ با یکدیگر همراه با رعایت مقتضیات حال ایجاد شده، عاجز خواهد بود. علوم بلاغت به طور عمده در سه علم «معانی»، «بدیع» و «بیان» دسته‌بندی شده است.

لذا دانش بلاغت بدان جهت از دانش‌های کاربردی به شمار می‌رود که هدف از آن مزیت بخشیدن به سخن یا مصونیت آن از اشتباهات غیردستوری است که گاه به شیوه بیان معانی، و گاه به شیوه هماهنگی سخن با موقعیت بیان آن، و گاه به شیوه گزینش کلمات مربوط می‌شود. این سه شاخه به ترتیب در علوم بیان، بدیع و معانی بحث می‌شوند (Taftazani) و سخن بلیغ آن است که افزون بر ویژگی فصاحت، ساختارهای گوناگون زبان در موقعیت‌های مناسب آن به کار رفته باشد؛ برای مثال، در مکان مناسب از تأکید، گزیده‌گویی، تکرار و... استفاده شده باشد (Jorjani, 2003).

تحلیل و تبیین معنای بلاغت حتی قبل از تدوین علوم بلاغی نیز در میان علمای ادب مورد توجه بوده، لکن این تحلیل‌ها عمدتاً ناظر به حیث لغوی این واژه بوده و تحلیل زبان‌شناسی و علمی این اصطلاحات مورد نظر نبوده است. از آغاز نزول قرآن تا پایان قرن دوم هجری، مسئله اعجاز قرآن برای مسلمانان مطرح نبوده است و آنان قبل از هر چیز، شیفته قرآن و شگفت‌زده از سبک و زیبایی آن و متحیر در برابر مفاهیم قرآنی بوده‌اند. لذا بحث بلاغت که شاخه‌ای از رویکردهای قرآن‌پژوهی به شمار می‌رود، کم‌کم توسط دانشمندان مورد توجه قرار گرفت (Al-Hashimi, 1987).

بنابراین، اگر کلامی متناسب با مقتضای حال و اغراض و احساسات بیان شود، بلیغ است. در این صورت، بسیاری از کلام‌هایی که تا به حال دارای بلاغت به شمار نمی‌رفته و مورد تحلیل دقیق قرار می‌گرفته‌اند، باید بررسی شوند و در صورت متناسب بودن با مقتضای حال، به عنوان کلام بلیغ شناخته شوند. برای تفهیم و روشن شدن مطلب، به نمونه‌ای از بلاغت در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه اشاره می‌شود. ابن ابی‌الحدید در ذیل این خطبه می‌نویسد: «تأثیر و جاذبه این خطبه چنان است که اگر آن را بر انسان بی‌دین ملحدی که مصمم است معاد را با تمام قدرت نفی کند بخوانند، مقاومت و اراده منفی او را در هم می‌شکند و دلش را در وحشت فرو می‌برد و در بنیاد اعتقادات او زلزله می‌افکند».

همچنین گویاترین آیه قرآن در ارتباط با بلاغت، آیه «اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي...» (سوره زمر: ۲۳) است که قرآن را سخنی نیکو و همسان در راستی و درستی معانی و تناسب و استواری نظم و تحلیل معرفی می‌کند (Zamakhshari, 1999). افزون بر این تعبیرات عام، در برخی آیات نیز به جلوه‌های هنری بخش‌هایی از قرآن چون داستان‌های آن توجه شده است، مانند آیه «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَمَا كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْغَافِلِينَ» (سوره یونس: ۳). برخی مفسران نیز تعبیر «أَحْسَنَ الْقَصَصِ» را نه تنها درباره داستان‌ها، که شامل همه قرآن دانسته و وجه نامگذاری آن را برخورداری آن از نهایت فصاحت و زیبایی، سازگاری الفاظ و معانی آن دانسته‌اند (Tabarsi, 1971).

همچنین تأکید بر ویژگی و تفاوت متن قرآن در هر دو جهت محتوا و سبک، در بسیاری از آیات قرآن منعکس شده است؛ که در آن‌ها قرآن خود را متنی هدایتگر و شفاف‌بخش و حاوی دانش‌ها و معارفی از سوی خدا شمرده و زبان خود را مبین و گویا، «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ» (سوره زخرف: ۲) و سخن خود را نیکوترین «اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي...» (سوره زمر: ۲۳) و راست و دور از کژی «قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (سوره زمر: ۲۸) معرفی کرده است.

۴. سیر پیدایش مطالعات بلاغی قرآن

مطالعات بلاغی قرآن کریم از قرون اولیه اسلامی آغاز شد و با تلاش علمای بلاغت و ادبیات عرب، به شکل‌گیری نظریه‌ها و اصول بلاغی منجر شد. این مطالعات نه تنها به درک عمیق‌تر معانی آیات کمک می‌کند، بلکه به تبیین تأثیرات فرهنگی و اجتماعی نیز می‌پردازد و در نهایت مسیر طولانی و پرفراز و نشیبی را طی کرده است. هر پژوهشگری که به سیر پیدایش مطالعات بلاغی قرآن نظری داشته باشد، متوجه خواهد شد که بلاغت قرآن با سه دوره پیدایش، دوره میانه و دوره معاصر مواجه شده است:

الف) دوره پیدایش

در این دوره، مطالعات واژگانی قرآن در موضوعاتی همچون واژگان متضاد که در دو معنای مخالف هم به کار می‌روند و مزیتی بلاغی به متن می‌بخشند، مورد توجه و مطالعه ادیبان سده‌های نخست از جمله ابوسعید اصفهانی (۸۳۱-۷۴۳م)، یعقوب بن اسحاق اهوازی معروف به ابن سکیت (۲۴۳-۱۸۶ق) و احمد بن اسحاق ابن انباری (۳۱۸ق) قرار گرفته است؛ که درباره بلاغت قرآن کتاب‌هایی نوشتند. برخی نیز به مطالعه گوشه‌هایی از بلاغت قرآن پرداخته‌اند؛ که «مجاز القرآن» ابو عبیده (م ۲۰۹ق)، «البيان عن بعض الشعر مع فصاحة القرآن» حسن بن جعفر برجلی (م قرن ۴) و «اعجاز القرآن في نظمه وتأليفه» واسطی (م ۳۰۶ق) از آن جمله‌اند (Ibn Nadim).

ب) دوره میانه

در این دوره، دانشمندانی از قبیل زمخشری (م ۵۲۸ق) در تفسیر کشف، به ابعاد گوناگون ادبی و بلاغی قرآن توجه کرده‌اند. بقاعی (م ۸۸۵ق) در «نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور» با تکیه بر ارائه تناسب معنایی آیات در یک سوره و سوره‌ها با یکدیگر، از ابزارها و مفاهیم دانش بلاغت برای اثبات فرضیه خود فراوان استفاده کرده است (Baqai, 2008).

ج) دوره معاصر

در این دوره، مطالعات بلاغی قرآن با اقبال بیشتری از قرآن‌پژوهان مواجه شد که از جمله آن‌ها می‌توان به مصطفی صادق رافعی (۱۹۳۷م) در «اعجاز القرآن والبلاغة النبوية»، عبدالکریم خطابی در

«اعجاز القرآن در اسه کشفیه لخصائص البلاغه العربیه ومعاييرها» اشاره کرد که به نظم و ساختار زیبا و روحانی و معنوی متن قرآن توجه کرده‌اند. همچنین جواد علی (م ۱۹۸۹م) نیز در بخش‌های مختلف «المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام»، و عبدالله ابراهیم در «موسوعه السرد العربی»، بحث‌های تاریخی مبسوطی درباره بلاغت قرآن ارائه کرده‌اند. به کارگیری ابزارها و مفاهیم زبان‌شناسی جدید، نقد ادبی و روایت‌شناسی در مطالعات معاصر بلاغت قرآن از اختصاصات این دوره است که تحولی جدید در این شاخه از علوم قرآن را نوید می‌دهد (Mahdi Zaytoon, 1992).

در نهایت، آنچه از نتایج این بحث به دست می‌آید بیان‌کننده این مطلب است که بلاغت قرآن یعنی هنر و دانش بیان فصیح و بلیغ قرآن که همواره از جنبه‌های مهم مطالعات اسلامی و قرآنی بوده است. سیر تاریخی بلاغت قرآن نشان می‌دهد که این دانش از یک درک فطری و طبیعی در دوران نزول، به یک علم مدون و مستقل در دوران شکوفایی علوم اسلامی تبدیل شده است و در هر دوره‌ای، متناسب با نیازها و تحولات علمی، رویکردهای متفاوتی به بلاغت قرآن وجود داشته است.

۵. ویژگی‌های بلاغی قرآن

قرآن کریم، کتاب مقدس مسلمانان، نه تنها از نظر معنوی و مذهبی اهمیت دارد، بلکه از نظر بلاغت و زیبایی کلام نیز بی‌نظیر است. این ویژگی‌ها قرآن را به اثری شگفت‌انگیز در ادبیات عرب تبدیل کرده و فصحا و بلاغیون را در حیرت فرو برده است. در اینجا به برخی از این ویژگی‌های بلاغی قرآن که آن را از دیگر متون متمایز می‌سازد، اشاره می‌شود:

الف) انسجام معنایی و تناسب ساختاری آیات

یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، انسجام معنایی و تناسب ساختاری آیات است. قرآن کریم در عین حال که به موضوعات متنوعی می‌پردازد، از انسجام محتوایی برخوردار است که این انسجام انتخاب واژه‌ها و ترکیب جملات نیز قابل مشاهده است. این ویژگی به انتقال پیام الهی با بیشترین تأثیر کمک کرده و موجب شده تا

مفاهیم قرآن به طور عمیق در ذهن و قلب مخاطب جای بگیرد. در این میان، نقش واژه‌ها و ترکیب‌های قرآنی بسیار برجسته است. انتخاب دقیق واژه‌ها و هماهنگی آن‌ها با سیاق آیات از جمله ویژگی‌هایی است که به بلاغت قرآن قوت بخشیده و آن را به یک شاهکار ادبی و معنوی تبدیل کرده است (Bahjatpour, 2008).

ب) استفاده از صناعات ادبی

یکی دیگر از ابعاد بلاغی قرآن، استفاده از تشبیه‌ها، استعاره‌ها و دیگر صنایع ادبی است که رعایت آن‌ها بر جلوه‌ها و جنبه‌های زیبایی و هنری سخن می‌افزاید. این صنایع به قرآن کمک کرده‌اند تا معانی عمیق و پیچیده الهی را به زبانی ساده‌تر و قابل فهم برای مخاطبان ارائه دهد. به عنوان مثال، استفاده از تشبیهات برای تبیین موضوعات غیبی و مفاهیم معنوی، نه تنها فهم این موضوعات را آسان‌تر کرده، بلکه زیبایی و جذابیت متن قرآنی را نیز افزایش داده است. در همین راستا، استعاره‌ها و کنایه‌ها نیز در قرآن به کار رفته‌اند تا پیام الهی به شکلی هنرمندانه و مؤثر منتقل شود. این عناصر ادبی یکی از دلایل اصلی تأثیرگذاری قرآن بر مخاطبان مختلف در طول تاریخ بوده‌اند (Khorramshahi, 1998).

۶. دو دیدگاه عمده درباره بلاغت قرآن

علمای مختلف اسلامی، از جمله لغویان و مفسران، در مورد بلاغت قرآن نظرات متنوعی ارائه کرده‌اند. برخی از آنان بر ویژگی‌های زبانی تأکید کرده و آن را به عنوان یک معجزه ادبی تحلیل کرده‌اند. این گروه بر این باورند که قرآن از نظر زبان و بیان به گونه‌ای است که هیچ متنی نمی‌تواند با آن رقابت کند. آنان استدلال می‌کنند که هماهنگی بین واژه‌ها، انتخاب عبارات و ترتیب آیات به گونه‌ای است که حتی بلیغ‌ترین شاعران عرب نیز در مواجهه با آن ناتوان مانده‌اند. این دیدگاه به ویژه در میان علمای زبان‌شناسی و بلاغت عرب رواج داشته است که به تجزیه و تحلیل دقیق ویژگی‌های زبانی قرآن پرداخته‌اند (Suyuti, 1989).

در مقابل، گروه دیگری از مفسران و اندیشمندان اسلامی بر جنبه معنوی بلاغت قرآن تأکید کرده‌اند. این گروه بر این باورند که

بلاغت قرآن تنها محدود به زیبایی زبانی و ادبی آن نیست، بلکه به معنای عمیق و پیام‌های الهی آن نیز بازمی‌گردد. از نظر این گروه، قرآن به گونه‌ای بیان شده که بتواند پیام‌های الهی را به طور مؤثر به انسان‌ها منتقل کند و آنان را به سمت هدایت و ایمان سوق دهد. این دیدگاه به ویژه در میان مفسرانی که بر جنبه‌های تفسیری قرآن تمرکز داشته‌اند، اهمیت دارد. آنان چنین می‌پندارند که بلاغت قرآن شامل هماهنگی کامل بین زبان و معنا است که این هماهنگی در هیچ متن دیگری یافت نمی‌شود (Rajabi, 2004).

در تحلیل بلاغت قرآن، نمی‌توان نقش تناسب میان آیات و سوره‌ها را نادیده گرفت. تناسب موجود در قرآن، که به نوعی بیانگر انسجام معنایی آن است، از جمله ویژگی‌هایی است که باعث شده مخاطبان بتوانند پیام الهی را به طور واضح‌تر درک کنند. به عنوان مثال، ارتباط میان آیات یک سوره یا میان سوره‌های مختلف، به گونه‌ای طراحی شده که انتقال پیام به طور طبیعی و مؤثر انجام شود. این انسجام و تناسب نه تنها از نظر محتوایی، بلکه از نظر بلاغی نیز یک شاهکار محسوب می‌شود که آن را از دیگر متون دینی و غیردینی متمایز می‌سازد (Bahjatpour, 2008).

بلاغت قرآن از جنبه دیگری نیز قابل بررسی است و آن شیوه‌های متنوع بیان است که در آن به کار رفته است. قرآن کریم با استفاده از سبک‌های مختلف، از جمله بیان خطابی، داستانی، پرسشی و دستوری، توانسته است پیام‌های خود را به شیوه‌ای جذاب و مؤثر به مخاطبان منتقل کند. این تنوع در شیوه بیان به قرآن کمک کرده است تا برای مخاطبان مختلف با سلاقی و سطوح فهم متفاوت قابل درک باشد. به عنوان مثال، استفاده از داستان‌های قرآنی برای تبیین مفاهیم اخلاقی و آموزه‌های دینی، نه تنها جذابیت متن را افزایش داده، بلکه تأثیرگذاری آن را نیز دوچندان کرده است. (صفوی، تفسیر ساختاری سوره آل عمران، ص ۳۹۱)

در هر حال، بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره بلاغت قرآن نشان می‌دهد که این کتاب الهی از هر نظر، چه از نظر زبانی و چه از نظر معنایی، بی‌همتا و منحصر به فرد است. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده

حکمت الهی در ارائه پیام‌هایی است که تا ابد برای همه نسل‌ها قابل درک و استفاده باشد (Bahjatpour, 2008). در مجموع، بلاغت قرآن یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز آن است که همواره مورد توجه مفسران و اندیشمندان اسلامی بوده است و این ویژگی‌ها نه تنها به درک بهتر مفاهیم قرآن می‌انجامد، بلکه تأثیر عمیقی بر مخاطبان آن دارد.

از نتایج بحث چنین برمی‌آید که آنچه از سوی پروردگار متعال بر پیامبر (ص) وحی شده و به عنوان کتاب آسمانی در اختیار بندگان خدا قرار گرفته است، محدود به قلمرو ویژه و خاصی نیست، بلکه همه چیز قرآن اعجاز است. و باید دانست که در پیدایش و خلق یک اثر توانمند، گزینش واژه‌ها و آهنگ کلمات و جملات و ترکیب آن‌ها نقش بسزایی دارند، اما مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسئله در این رابطه، ساختار نهایی متن است که به واژه‌ها و جملات روح و جان بخشیده و همه آن‌ها را اعجاز گونه نشان می‌دهد. در این میان، اعجاز بیانی و بلاغی قرآن شاخص‌ترین وجه اعجازی قرآن محسوب می‌شوند و می‌توان گفت که رابطه آن‌ها با سایر وجوه اعجازی قرآن یک رابطه عموم و خصوص مطلق است.

۷- امام رضا (ع) و بلاغت قرآن

بلاغت قرآن یکی از موضوعات مهمی است که در گذشته و حال مورد بحث مفسران و قرآن‌پژوهان اسلامی قرار گرفته و دیدگاه‌های مختلفی درباره آن ارائه شده است که در صفحات قبل به آن پرداخته شد. بنابراین در این قسمت، بلاغت قرآن از منظر امام رضا (ع) بررسی می‌شود.

در قرآن کریم، بلاغت یکی از ویژگی‌های برجسته و منحصر به فرد این کتاب آسمانی است که به زیبایی‌های کلام الهی افزوده است. در حقیقت، بلاغت به معنای توانایی در بیان مفاهیم به شیوه‌ای جذاب و مؤثر است که در قرآن به بهترین شکل به کار رفته است. قرآن کریم با استفاده از فنون بلاغی مانند تشبیه، استعاره، کنایه و جناس، مفاهیم عمیق خود را به شیوه‌ای ساده و قابل فهم برای همه مخاطبان منتقل می‌کند. این ویژگی قرآن باعث می‌شود که نه تنها برای اهل علم و

دانش، بلکه برای همه افراد با هر سطحی از آگاهی قابل درک و فهم باشد. همچنین، بلاغت در قرآن به انسان کمک می‌کند تا به عمق معانی آیات پی برده و از زیبایی‌های کلام الهی بهره‌مند شود.

امام رضا (ع) همانند دیگر ائمه معصومین (ع)، قرآن را کلام مستقیم خداوند دانسته و بر این عقیده بودند که قرآن نه تنها از نظر محتوا، بلکه از نظر بیان و ساختار نیز دارای اصالت الهی است. از منظر آن امام رئوف، بلاغت قرآن نه تنها یک صفت اکتسابی، بلکه یک ویژگی ذاتی است که ناشی از منشأ الهی آن است. در حقیقت، امام رضا (ع) بلاغت قرآن را به عنوان ویژگی‌ای ذاتی، معجزه‌آسا و چندبعدی می‌دانستند و از این ویژگی برای اثبات حقانیت اسلام، تفسیر آیات و هدایت انسان استفاده می‌کردند. ایشان تأکید داشتند که بلاغت قرآن ابزاری قدرتمند برای تأثیرگذاری بر قلوب و تهذیب نفوس است.

عالم آل محمد (ص) به عنوان هشتمین امام شیعیان، جایگاه والایی در تبیین معارف اسلامی و قرآن کریم دارند. نقش امام رضا (ع) در علوم قرآنی و توجه به جنبه‌های بلاغی آن، به دلیل دانش گسترده و نگاه عمیق به مفاهیم الهی، بسیار برجسته است. امام رضا (ع) در بسیاری از مناظرات علمی و مباحث دینی خود، با استفاده از بلاغت قرآن و بیان ویژگی‌های زبانی و معنوی آن، توانستند بسیاری از مخاطبان، از جمله اندیشمندان و علمای غیرمسلمان را متقاعد کنند. این ویژگی نشان‌دهنده درک عمیق امام از جایگاه بلاغت در قرآن و کاربرد آن در تبیین پیام‌های الهی است. امام رضا (ع) در سخنان خود همواره بر اهمیت بلاغت قرآن تأکید کرده‌اند و آن را یکی از دلایل اعجاز این کتاب مقدس دانسته‌اند (Tabarsi, 1968).

۸- روش‌شناسی تفسیر قرآن کریم از منظر امام رضا (ع)

روش‌شناسی تفسیری، یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین حوزه‌ها در علوم قرآن‌پژوهی است و با تأمل در آن می‌توان به شیوه‌های مختلف فهم و تفسیر قرآن آشنایی پیدا کرد و نزدیک‌ترین و مرتبط‌ترین آن‌ها با متن قرآن را الگوی خود قرار داد. مطالعات تفسیری صادره از حضرات معصومین (ع) به سبب قربت آن‌ها با متن قرآن و عالم

وحی، از دو بُعد اهمیت مضاعف پیدا می‌کند: نخست، از حیث ارتباط مستقیم با محتوا، و دوم، به جهت اولویت و ضرورت الگوگیری از شیوه تفسیری آنان. بررسی آثار به‌دست‌آمده از امام رضا (ع) نشان می‌دهد که آن امام بزرگوار، روش خاصی را در تفسیر قرآن کریم در نظر داشتند که در ادامه، به برخی از ویژگی‌های روش‌شناسی ایشان اشاره می‌شود:

الف) بهره‌گیری از مفاهیم و اصول زبانی

یکی از شیوه‌های برجسته در روش‌شناسی تفسیری امام رضا (ع)، استفاده از مفاهیم و اصول زبانی برای تبیین معانی قرآن بود. امام رضا (ع) با بهره‌گیری از علم لغت و قواعد بلاغت، توانستند به شکلی دقیق به تحلیل آیات قرآنی بپردازند و نکات ظریفی را که در ظاهر متن قابل مشاهده نیست، آشکار سازند. ایشان بر این باور بودند که قرآن کریم با زبان عربی و به شیوه‌ای بیان شده است که بتواند پیام‌های عمیق الهی را به بهترین شکل به مخاطب منتقل کند. در همین راستا، امام رضا (ع) به تفسیر واژه‌ها و ترکیبات قرآنی پرداخته و به تناسب معنایی و زبانی آن‌ها اشاره فرمودند (Suyuti, 1993).

ب) توجه به سیاق آیات و انسجام متن قرآنی

یکی دیگر از شیوه‌های روش‌شناسی تفسیری امام رضا (ع)، توجه به سیاق آیات و انسجام متن قرآنی است. امام رضا (ع) معتقد بودند که فهم درست یک آیه تنها با درک ارتباط آن با آیات قبل و بعد ممکن است. این نگرش نشان‌دهنده تأکید ایشان بر انسجام معنایی و بلاغی قرآن است که به عنوان یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن شناخته می‌شود. امام رضا (ع) در مناظرات خود با علمای دیگر، بارها به این نکته اشاره فرمودند که قرآن کریم از ساختاری برخوردار است که ارتباط معنایی میان آیات و سوره‌ها را به گونه‌ای حفظ کرده که هیچ‌گونه تناقض یا ناهماهنگی در آن وجود ندارد. این دیدگاه در میان قرآن‌پژوهان بعدی نیز تأثیرگذار بوده و به عنوان یکی از اصول تفسیر قرآنی شناخته شده است (زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۴۹۸).

نقش امام رضا (ع) در بیان شیوه‌های تفسیری قرآن را می‌توان در تحلیل‌های ایشان از ترکیب‌های زبانی و سبک‌های بیانی قرآن

مشاهده کرد. از منظر امام رضا (ع)، هر واژه و ترکیب در قرآن به شکلی هنرمندانه و دقیق انتخاب شده است تا معنا و مفهوم مورد نظر را به بهترین شکل منتقل کند. به عنوان مثال، ایشان به جایگاه واژه‌های مترادف در قرآن اشاره کرده و بیان فرمودند که هر کدام از این واژه‌ها در جایگاه خاص خود به کار رفته‌اند و نمی‌توان آن‌ها را جایگزین یکدیگر کرد. این نگاه ظریف به جزئیات زبانی و بلاغی، نشان‌دهنده دیدگاه عمیق امام رضا (ع) نسبت به جنبه‌های مختلف بلاغت قرآن است (Bahjatpour, 2008).

ج) استفاده از صنایع ادبی

یکی دیگر از روش‌های تفسیری قرآن که امام رضا (ع) به آن پرداخته‌اند، استفاده از صنایع ادبی مانند تشبیه، استعاره و کنایه است. ایشان بر این باور بودند که این صنایع نه تنها به زیبایی متن قرآنی افزوده، بلکه به انتقال پیام‌های الهی نیز کمک کرده‌اند. امام رضا (ع) در توضیح برخی آیات قرآنی، به نقش این صنایع ادبی اشاره کرده و بیان فرمودند که چگونه این ابزارها باعث شده‌اند مفاهیم پیچیده و معنوی قرآن به زبانی ساده و قابل فهم برای مخاطبان ارائه شود. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که روش امام رضا (ع) در مواجهه با قرآن به گونه‌ای بود که کلام و پاسخ‌ها و مثال‌های ایشان، همگی برگرفته از قرآن بوده‌اند و ایشان آن را نه تنها به عنوان یک ویژگی زبانی، بلکه به عنوان ابزاری تربیتی برای هدایت انسان‌ها در نظر می‌گرفتند (Tabarsi, 1971).

د) تأکید بر تناسب معنایی و زبانی میان آیات

امام رضا (ع) بر تناسب معنایی و زبانی میان آیات قرآن تأکید کرده و معتقد بودند که هر آیه از قرآن در ارتباط با آیات دیگر و در چارچوب کلی سوره‌ها معنا پیدا می‌کند. این تناسب معنایی نه تنها به فهم بهتر پیام الهی کمک می‌کند، بلکه نشان‌دهنده هماهنگی کامل میان زبان و محتوا در قرآن است. ایشان در برخی مناظرات خود به این نکته اشاره فرمودند که این تناسب و هماهنگی، یکی از دلایل اعجاز قرآن است که آن را از دیگر متون متمایز می‌سازد. این دیدگاه بعدها در میان مفسران و قرآن‌پژوهان اسلامی تأثیرات گسترده‌ای

داشت و به عنوان یکی از اصول مهم در روش تفسیری قرآن مورد توجه قرار گرفت (Rajabi, 2004).

در مجموع، نقش امام رضا (ع) در تبیین روش‌شناسی تفسیر قرآن را نمی‌توان نادیده گرفت. چرا که ایشان با استفاده از دانش گسترده خود در زمینه زبان و تفسیر، به تحلیل دقیق آیات قرآنی پرداختند و توانستند ویژگی‌های منحصر به فرد این کتاب الهی را برجسته سازند. دیدگاه‌های امام رضا (ع) در زمینه تفسیر قرآن، علاوه بر درک بهتر مفاهیم این کتاب آسمانی، به عنوان منبعی ارزشمند برای مفسران بعدی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این دیدگاه‌ها نشان‌دهنده تأکید امام رضا (ع) بر علوم قرآنی و نقش ایشان در تبیین اعجاز قرآن است (طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۸۰). بنابراین، از نتایج حاصله چنین برمی‌آید که بررسی دقیق‌تر دیدگاه امام رضا (ع) نشان می‌دهد که قرآن کریم، به عنوان کلام الهی، از ویژگی‌های منحصر به فرد و بی‌نظیری مانند فصاحت و بلاغت برخوردار است که در سطوح مختلف لفظی، معنایی و تأثیرگذاری قابل تحلیل و بررسی بوده و این امر سبب شده است تا معارف الهی به بهترین وجه ممکن به انسان‌ها انتقال یابد.

۹- تحلیل دیدگاه‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن

قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان، نه تنها منبعی برای هدایت و راهنمایی انسان‌ها است، بلکه از نظر بلاغت و فصاحت نیز در سطحی بی‌نظیر قرار دارد. بلاغت قرآن، به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز آن، نشان‌دهنده عمق معانی و زیبایی کلام الهی است. در طول تاریخ، بسیاری از دانشمندان و عالمان دینی به بررسی و تحلیل بلاغت قرآن پرداخته‌اند و یکی از شخصیت‌های برجسته در این زمینه، امام رضا (ع) است که با نگاهی عمیق و جامع به قرآن، به تبیین ویژگی‌های بلاغت آن پرداخته‌اند. در این تحلیل، به بررسی دیدگاه‌های امام رضا (ع) در خصوص بلاغت قرآن و چگونگی تأثیر این بلاغت بر فهم و درک معانی عمیق قرآن خواهیم پرداخت.

الف) زیباشناسی زبان قرآن

نگاه به تناسب میان آیات، نشان‌دهنده درک عمیق امام رضا (ع) از ساختار بلاغی قرآن و نقش آن در انتقال پیام الهی است (Zarqani, 1989).

د) ارائه مثال‌های دقیق از آیات قرآن

یکی دیگر از ویژگی‌های تحلیل امام رضا (ع)، ارائه مثال‌های دقیق از آیات قرآنی برای تبیین جنبه‌های بلاغی آن است. ایشان به‌طور خاص به صنایع ادبی قرآن مانند تشبیه، استعاره و کنایه توجه داشتند و این ابزارها را از دلایل تأثیرگذاری قرآن بر مخاطبان می‌دانستند. برای مثال، در توضیح آیه «وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ...» (سوره کهف: ۴۵)، امام رضا (ع) بیان فرمودند که استفاده از تشبیه برای توضیح گذرا بودن زندگی دنیوی، نه تنها معنا را به‌خوبی منتقل می‌کند، بلکه تأثیر عاطفی عمیقی بر مخاطب دارد. این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که امام رضا (ع) از بلاغت قرآن به‌عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری معنوی و هدایتی بهره می‌بردند (Safavi, 2004).

ر) تأکید بر ارتباط میان بلاغت قرآن و اهداف تبلیغی آن

امام رضا (ع) همچنین به ارتباط میان بلاغت قرآن و اهداف تبلیغی آن تأکید داشتند. از منظر ایشان، بلاغت قرآن تنها برای جلب توجه مخاطبان نیست، بلکه هدف اصلی آن، هدایت انسان‌ها به سوی حقیقت الهی است. ایشان در تحلیل آیات مربوط به معاد، مانند آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ...» (سوره آل عمران: ۱۸۵)، بیان فرمودند که انتخاب عبارات ساده و صریح در این آیات، پیامدهای معنوی عمیقی دارد و به مخاطبان کمک می‌کند تا به اهمیت معاد و آمادگی برای آن توجه کنند. این دیدگاه نشان می‌دهد که امام رضا (ع)، بلاغت قرآن را وسیله‌ای برای تحقق اهداف الهی در نظر می‌گرفتند (Tabatabai, 2023).

ه) نقش انسجام معنایی و زبانی قرآن

در تحلیل دیدگاه‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن، نقش انسجام معنایی و زبانی این کتاب مقدس نیز قابل توجه است. ایشان به‌طور مکرر تأکید داشتند که قرآن از ساختاری برخوردار است که هر آیه

امام رضا (ع) در تحلیل بلاغت قرآن، بر زیبایی‌شناسی زبان این کتاب الهی تأکید داشتند و بر این باور بودند که قرآن کریم با زبانی هنرمندانه و پیچیده بیان شده است که نه تنها مخاطبان را مجذوب می‌کند، بلکه پیام‌های عمیق الهی را نیز به‌طور مؤثر منتقل می‌سازد. ایشان معتقد بودند که زیباشناسی قرآن، ناشی از ترکیب دقیق واژه‌ها، انتخاب صحیح عبارات و تناسب معنایی و زبانی میان آیات است. برای نمونه، امام رضا (ع) به آیه «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا» (سوره شمس: ۱) اشاره کرده و بیان فرمودند که استفاده از سوگند در این آیه و ارتباط آن با موضوع نور و روشنی، نمونه‌ای از جذابیت زبانی و معنایی قرآن کریم است که تأثیری عمیق بر مخاطب می‌گذارد (Tabarsi, 1971).

ب) استفاده دقیق از معانی الفاظ

یکی دیگر از نکات برجسته در تحلیل دیدگاه امام رضا (ع)، دقت و توجه به استفاده دقیق از معانی الفاظ در قرآن کریم است. امام تأکید داشتند که هر واژه در قرآن با هدف خاصی انتخاب شده و جایگزینی آن با واژه‌ای دیگر، پیام آیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، ایشان به آیه «وَأِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا...» (سوره نحل: ۱۸) اشاره کرده و بیان فرمودند که استفاده از واژه «نعمت» به‌صورت مفرد و عبارت «لا تحصوها» به‌صورت جمع، نشان‌دهنده عظمت نعمات الهی و محدودیت درک انسان از آن‌ها است. این نگاه به جزئیات زبانی، نشانه‌ای از تأکید امام رضا (ع) بر بلاغت قرآن و بهره‌گیری از معانی دقیق الفاظ در آن است (Bahjatpour, 2008).

ج) تناسب میان آیات و نکات بلاغی آن‌ها

تناسب میان آیات و بلاغت آن‌ها از دیگر مباحث مهمی است که امام رضا (ع) در تحلیل قرآن به آن پرداخته‌اند. امام بزرگوار معتقد بودند که قرآن از انسجامی بی‌نظیر برخوردار است و آیات آن به شکل ماهرانه‌ای به هم مرتبط‌اند. ایشان در تحلیل آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (سوره نور: ۳۵)، به ارتباط میان نور الهی و هدایت انسان اشاره کرده و بیان فرمودند که چگونه این آیه، در کنار آیات پیش و پس از خود، پیام هدایت را به شکلی زیبا و مؤثر بیان می‌کند. این

و هر سوره، به شکلی هماهنگ با دیگر بخش‌های قرآن عمل می‌کند. این هماهنگی، نه تنها به انتقال پیام‌های الهی کمک می‌کند، بلکه نشان‌دهنده اعجاز زبانی و معنوی قرآن کریم است. امام رضا (ع) در توضیح آیه «... وَ لَّا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَّا نَوْمٌ...» (سوره بقره: ۲۵۵)، به تناسب معنایی میان صفات الهی در این آیه و نقش آن در القای حس امنیت و قدرت الهی به مخاطبان اشاره فرمودند. این نگاه به انسجام معنایی قرآن، یکی از دلایل مهم تأثیرگذاری آن بر انسان‌هاست (Bahjatpour, 2008).

در نهایت، تحلیل دیدگاه‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن، نه تنها به تبیین جنبه‌های هنری و زبانی آن کمک کرده، بلکه به فهم بهتر اهداف معنوی و هدایتی قرآن نیز یاری رسانده است. تحلیل‌های امام رضا (ع) از آیات قرآن، نشان‌دهنده درک عمیق ایشان از نقش زبان در انتقال پیام الهی و تأثیرگذاری بر انسان‌هاست. این دیدگاه‌ها همچنان به عنوان منبعی ارزشمند برای قرآن‌پژوهان و مفسران معاصر مورد استفاده قرار می‌گیرند و جایگاه بی‌بدیل امام رضا (ع) در تفسیر و تحلیل علوم قرآنی را آشکار می‌سازند (Suyuti, 1993).

بنابراین، از تحلیل دیدگاه‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن چنین برمی‌آید که ایشان، زیبایی کلام، عمق معانی، تناسب میان آیات، ارائه مثال‌های دقیق، ارتباط میان بلاغت و اهداف تبلیغی، و نقش انسجام معنایی و زبانی را شش محور کلیدی در بلاغت قرآن می‌دانستند و معتقد بودند قرآن کریم با بهره‌گیری از زبان فصیح و بلیغ، اهداف راهبردی خود را به شیوه‌ای دل‌نشین بیان می‌دارد تا پیام‌های الهی به راحتی در دل‌ها نشست و انسان‌ها را به سوی حقیقت و هدایت سوق دهد. از منظر امام رضا (ع)، بلاغت قرآن منشأ الهی دارد و یک ویژگی ذاتی قرآن محسوب می‌شود که شامل فصاحت لفظی، بلاغت معنایی و تأثیرگذاری است، و برای فهم قرآن کریم، ابزاری قدرتمند به شمار می‌آید که همه مفسران و قرآن‌پژوهان در مطالعات قرآنی به آن نیاز دارند.

۱۰- تأثیر دیدگاه‌های بلاغی امام رضا (ع) در تفسیر قرآن

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت و راهنمایی بشر، نیازمند تفسیر و فهم عمیق است، و بلاغت به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در این زمینه، نقش بسزایی ایفا می‌کند. امام رضا (ع) به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های اسلامی، تأثیر عمیقی بر تفسیر قرآن داشته‌اند. دیدگاه‌های بلاغی امام که بر اساس معنای عمیق و زیباشناسی کلمات قرآن متمرکز است، می‌تواند به درک بهتر معانی متعالی این کتاب مقدس کمک کند. از آنجاکه قرآن کریم کلامی معجزه‌آسا و سرشار از ظرافت‌های بلاغی است، فهم دقیق و عمیق این کتاب آسمانی مستلزم درک و شناخت این ظرافت‌ها است. امام رضا (ع) با تسلط بر علوم و فنون بلاغت، توانستند به بهترین نحو این ظرافت‌ها را در تفسیر آیات قرآن مورد توجه قرار دهند. در اینجا به برخی از این تأثیرات اشاره می‌شود.

الف) تأثیر عمیق بر فهم تفسیر قرآن

امام رضا (ع) به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های علمی و دینی اسلام، تأثیرات عمیقی بر فهم و تفسیر بلاغت قرآن داشته‌اند. دیدگاه‌های امام رضا (ع) نه تنها برای معاصرانشان بلکه برای مفسران و متفکران اسلامی در قرون بعدی نیز منبع الهام بوده است. امام رضا (ع) بر این باور بودند که بلاغت قرآن نه فقط در ساختار زبانی، بلکه در تناسب و هماهنگی میان معنا و لفظ آن است. این دیدگاه باعث شد که مفسران به جنبه‌های بلاغی و ادبی قرآن توجه بیشتری داشته باشند. برای مثال، در آیه "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" (سوره اخلاص: ۱)، امام رضا (ع) بر وحدت الهی به عنوان محور این آیه تأکید کرده و بیان فرمودند که چگونه ساختار ساده و قدرتمند این آیه، بلاغت زبانی را با معنای عمیق ترکیب کرده است. این نوع تحلیل‌ها مفسران بعدی را به سوی رویکردی جامع‌تر در بررسی آیات قرآن سوق داده است (Tabarsi, 1968).

ب) تأثیر بر تدوین اصول تفسیر قرآن

دیدگاه‌های امام رضا (ع) تأثیر مستقیمی نیز بر تدوین اصول تفسیر قرآن داشته است. امام معتقد بودند که هر واژه و عبارت در قرآن جایگاهی منحصر به فرد دارد و نمی‌توان آن را با چیزی مشابه

جایگزین کرد. این نگرش باعث شد که مفسران اسلامی با دقت بیشتری به تحلیل واژگان قرآنی بپردازند. برای مثال، در آیه "وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ" (سوره دخان: ۳۸)، امام رضا (ع) به واژه "لاعبین" اشاره کرده و توضیح داده‌اند که این انتخاب زبانی نشان‌دهنده بیهودگی نیست، بلکه هدفمندی و حکمت در خلقت را تأکید می‌کند. این نوع تفسیر بر توجه به معنا و پیام نهفته در واژه‌های قرآن تأثیر عمیقی بر مفسران داشته است (Bahjatpour, 2008).

ج) تأثیرپذیری اندیشمندان اهل سنت از دیدگاه امام رضا (ع)

تأثیرات فکری و نظری امام رضا (ع) در تفسیر قرآن، به‌ویژه در زمینه بلاغت، تنها به مفسران شیعه محدود نمانده و بر اندیشمندان اهل سنت نیز اثرگذار بوده است. بسیاری از مفسران اهل سنت در آثار خود به تحلیل‌های بلاغی مشابهی پرداخته‌اند که نشان‌دهنده تأثیر غیرمستقیم نظرات امام رضا (ع) بر تفکر آنان است. برای مثال، تحلیل‌های مربوط به ساختار آیات و ارتباط میان آن‌ها، که توسط امام رضا (ع) به‌خوبی توضیح داده شده، بعدها به‌عنوان یک اصل در علوم بلاغی قرآن مورد استفاده قرار گرفته است. در آیه "يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ..." (سوره روم: ۱۹)، امام رضا (ع) به تقابل زبانی و معنوی میان حیات و مرگ اشاره کرده و آن را نمونه‌ای از بلاغت قرآن دانسته‌اند که پیام‌های عمیق الهی را به شکلی هنرمندانه منتقل می‌کند. این نوع نگرش بعدها در آثار مفسران اهل سنت و شیعه مشاهده می‌شود (Rajabi, 2004).

نقد و تحلیل دیدگاه‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن نیز از جنبه‌های مثبت و منفی قابل بررسی است. یکی از جنبه‌های مثبت دیدگاه‌های امام بزرگوار، تأکید ایشان بر جامعیت بلاغت قرآن است. امام رضا (ع) به گونه‌ای به بلاغت قرآن پرداخته‌اند که آن را نه فقط به‌عنوان یک ویژگی زبانی، بلکه به‌عنوان ابزاری برای انتقال پیام الهی و هدایت انسان‌ها توصیف کرده‌اند. برای مثال، در آیه "وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا..." (سوره فرقان: ۶۳)، امام

رضا (ع) به ارتباط میان تواضع و هدایت اشاره کرده و نشان داده‌اند که چگونه انتخاب کلمات و ترکیب آن‌ها تأثیر معنوی و اخلاقی بر مخاطب دارد. این دیدگاه باعث شد که مفسران بعدی نیز به بررسی ابعاد معنوی بلاغت قرآن بپردازند و آن را به‌عنوان یکی از اصول اساسی تفسیر خود بپذیرند (Tabatabai, 2023).

از سوی دیگر، برخی از دیدگاه‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن ممکن است به دلیل تأکید زیاد بر جنبه‌های زبانی، محدودیت‌هایی را در تفسیر معنوی ایجاد کند. برای مثال، برخی از مفسران معتقدند که تحلیل زبانی بیش‌ازحد می‌تواند توجه به پیام کلی قرآن را کاهش دهد. در این زمینه، امام رضا (ع) گاهی به تحلیل‌های جزئی و دقیق زبانی پرداخته‌اند که ممکن است برای برخی از مخاطبان قابل درک نباشد. این نگرش نشان‌دهنده آن است که در تفسیر قرآن باید میان جنبه‌های زبانی و معنوی تعادلی برقرار شود تا هر دو به‌طور کامل مورد توجه قرار گیرند (Suyuti, 1993).

درنهایت، تأثیر دیدگاه‌های امام رضا (ع) بر تفسیر بلاغت قرآن نه تنها در زمان ایشان، بلکه در قرون بعدی نیز ادامه داشته است. این دیدگاه‌ها به مفسران اسلامی کمک کرده تا به درکی جامع‌تر از بلاغت قرآن برسند و آن را به‌عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های الهی و هدایت انسان‌ها مورد استفاده قرار دهند. تحلیل‌های امام رضا (ع) درباره بلاغت قرآن نشان‌دهنده درک عمیق ایشان از زبان و پیام الهی است و همچنان به‌عنوان منبع الهام برای پژوهشگران و مفسران معاصر شناخته می‌شود (Tabarsi, 1971).

نتیجه‌گیری

بلاغت قرآن به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی اعجاز این کتاب آسمانی، همواره مورد توجه مفسران و اندیشمندان اسلامی بوده است. امام رضا (ع) در کلام بلند و فصیح خویش، کهنگی‌ناپذیری حقایق کتاب الهی و شیرینی و حلاوت قرائت و بلاغت آن بر خوانندگان در تمام ادوار زمانی را یادآور شده و با تحلیل‌های عمیق خود، نقش برجسته‌ای در تبیین این جنبه از قرآن ایفا کرده‌اند. امام رضا (ع) با تأکید بر هماهنگی کامل میان معنا و زبان در قرآن کریم، نشان

داده‌اند که چگونه زبان قرآن به بهترین شکل برای انتقال پیام‌های الهی و هدایت انسان‌ها طراحی شده است. همچنین، امام رضا (ع) به جنبه‌های ادبی و هنری قرآن، مانند تشبیه، استعاره و کنایه، توجه خاصی داشتند و این ابزارها را از دلایل تأثیرگذاری قرآن بر مخاطبان می‌دانستند و معتقد بودند که این صنایع نه تنها زیبایی متن را افزایش می‌دهند، بلکه به فهم بهتر پیام‌های الهی قرآن کمک می‌کنند.

امام رضا (ع) بر دقت واژگان و عبارات قرآن تأکید ویژه‌ای داشتند و معتقد بودند هر واژه و جمله در قرآن، جایگاهی منحصر به فرد دارد و نمی‌توان آن را با عبارتی دیگر جایگزین کرد. این دقت زبانی، نشان‌دهنده عمق دیدگاه آن امام همام درباره قرآن است. امام رضا (ع) بلاغت قرآن را نه تنها به عنوان یک ویژگی زبانی، بلکه به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر دل و ذهن مخاطبان و انتقال پیام‌های اخلاقی و هدایتی می‌دانستند. از منظر امام رضا (ع)، قرآن کریم چه از نظر زبانی و چه از نظر معنایی، بی‌همتا و منحصر به فرد است که نشان‌دهنده حکمت الهی در ارائه پیام‌های الهی است.

همچنین، امام رضا (ع) به تناسب و انسجام میان آیات و سوره‌های قرآن توجه ویژه‌ای داشتند و نشان دادند که هر بخش از قرآن در ارتباطی کامل با دیگر بخش‌ها قرار دارد. این دیدگاه‌ها تأثیرات عمیقی بر علوم قرآنی، فصاحت و بلاغت آن و روش‌شناسی تفسیر داشته و همچنان به عنوان منبعی غنی و ارزشمند برای پژوهشگران و مفسران قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نهایت، از منظر امام رضا (ع)، بلاغت قرآن ابزاری اساسی برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال الهی است و هیچ کلامی به پای بلاغت و شیوایی قرآن نمی‌رسد و هیچ کلام بشری قادر به تقلید یا مشابهت با آن نیست. این جنبه از قرآن، میراثی ارزشمند برای همه مسلمانان به جا گذاشته و باعث شده که مفسران قرآن، آن را به عنوان یک اصل مهم و اساسی در تفسیر خود بپذیرند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The eloquence of the Holy Qur'an is a foundational element of its miraculous character and serves as a compelling aspect of its linguistic, rhetorical, and theological depth. This article critically analyzes the Qur'an's eloquence through the lens of Imam al-Ridha (peace be upon him), a distinguished Islamic scholar and spiritual figure of the eighth century. His perspectives on Qur'anic eloquence demonstrate a harmonious blend of linguistic precision, aesthetic sophistication, and ethical guidance. Imam al-Ridha's interpretive framework is deeply embedded in both linguistic semantics and spiritual hermeneutics. He emphasized that eloquence is not merely a stylistic quality but a divine vehicle through which the Qur'an effectively delivers eternal truths. His analyses often focused on the intrinsic beauty of the Qur'anic language, its semantic coherence, and the balanced interplay between rhetorical devices and

moral messages. By situating Imam al-Ridha's views within the broader Islamic exegetical tradition, this study explores how his insights enrich our understanding of the Qur'an as a divinely constructed text. For instance, his commentary frequently highlighted the precision of vocabulary, pointing out how subtle shifts in word choice reflected layers of meaning intended for both immediate audiences and generations of believers to come (Bahjatpour, 2008).

Eloquence in the Qur'an, as articulated by Imam al-Ridha, transcends mere verbal artistry to function as a mechanism of divine instruction. His observations are anchored in a classical understanding of *balāgha*, or rhetorical eloquence, which has historically been categorized into three interrelated disciplines: *ma'ānī* (semantics), *bayān* (clarity), and *badī'* (embellishment) (Jorjani, 2003). Imam al-Ridha advanced the argument that the Qur'anic eloquence must be interpreted within

these frameworks, not in isolation, but in harmony with the content and context of the divine message. He underscored the Qur'an's ability to align its stylistic choices with the psychological and spiritual states of its audience. By focusing on the congruence between form and function, he demonstrated how the Qur'an adapts its language across different surahs to address themes such as mercy, justice, divine oneness, and human responsibility. Imam al-Ridha also engaged with the notion of *tafāwut* (subtle distinction) among synonyms in the Qur'an, illustrating how each lexical variation was selected with theological and rhetorical intent. His interpretive contributions provide compelling answers to classical debates on inimitability (*i'jāz*) and reinforce the Qur'an's superiority over human speech, a principle heavily contested during his time (Suyuti, 1989).

Imam al-Ridha's approach to Qur'anic eloquence is also characterized by an intricate appreciation for thematic and structural coherence within and between surahs. He consistently argued that the Qur'an's internal unity—often referred to as *nazm* or the stylistic ordering of verses—constituted a key element of its rhetorical excellence. This is evident in his treatment of verses such as al-Zumar: 23, which he interpreted as reflecting the Qur'an's deliberate and interconnected composition (Zamakhshari, 1999). In his analysis, Imam al-Ridha addressed how each verse and phrase is contextually situated within the Qur'an's broader spiritual narrative, thus contributing to its aesthetic impact and pedagogical effectiveness. His belief in the Qur'an's cohesive unity also underpins his rejection of any notion of arbitrary composition. Rather, he viewed each passage as part of a divine literary architecture, with rhetorical strategies such as repetition, parallelism, and juxtaposition employed to create emotional resonance and cognitive clarity. This interpretive method encouraged a shift among later exegetes from atomistic readings to holistic analyses that recognized both vertical and horizontal coherence in the sacred text (Rajabi, 2004).

Further, Imam al-Ridha's interpretive methodology foregrounded the relationship between rhetorical form and ethical substance. He recognized that Qur'anic eloquence was not limited to linguistic phenomena but was inherently tied to the Qur'an's mission of moral cultivation and spiritual enlightenment. He believed that stylistic devices—such as metaphors, allegories, and rhetorical questions—served not only to enhance textual beauty but also to prompt reflection, introspection, and ultimately transformation in the reader. For example, his readings of verses addressing divine mercy or human accountability often emphasized the use of rhythm, sound patterns, and imagery to instill reverence and introspection in the listener (Safavi, 2020). He argued that the Qur'an's use of emotionally charged language was essential in stirring the human soul toward *tawba* (repentance) and *istiqāma* (steadfastness). Imam al-Ridha's recognition of this pedagogical dimension highlights his broader understanding of Qur'anic eloquence as a multilayered communicative strategy. Moreover, he believed that the eloquence of the Qur'an was divinely suited to the intellect and emotions of every generation, thus reinforcing its timeless and universal relevance (Tabatabai, 2023).

In addition to his linguistic insights, Imam al-Ridha's views on Qur'anic eloquence had a significant influence on later exegetical traditions across both Sunni and Shi'i schools of thought. His approach, which combined philological precision with theological reflection, laid the groundwork for exegetes to explore new rhetorical dimensions of the Qur'anic text. Classical commentators such as al-Zamakhshari and al-Rāzī echoed many of Imam al-Ridha's insights in their own *tafsīr* works, particularly in their attention to word choice, syntactical arrangement, and thematic continuity. Furthermore, contemporary scholars continue to draw upon Imam al-Ridha's emphasis on the Qur'an's persuasive power, especially in addressing modern challenges in hermeneutics, linguistics, and interfaith discourse. His insistence on the Qur'an's unique capacity to balance

aesthetic grace with logical rigor has become a reference point in comparative studies of religious texts. By elevating the study of Qur'anic eloquence beyond literary critique to encompass ethical and theological dimensions, Imam al-Ridha introduced a comprehensive model for engaging with the sacred text—one that is as spiritually enriching as it is intellectually rigorous (Tabarsi, 1971).

In conclusion, this study reaffirms that Imam al-Ridha's contributions to the understanding of Qur'anic eloquence are both profound and enduring. His nuanced appreciation of the Qur'an's linguistic sophistication, structural harmony, and ethical potency underscores the inimitability of the divine text. By emphasizing the coherence of verses, the strategic use of rhetorical devices, and the didactic function of eloquence, Imam al-Ridha provided a holistic interpretive framework that continues to inspire exegetes and scholars. His insights reveal that the Qur'an's eloquence is not an aesthetic surplus but a divine imperative designed to guide, awaken, and transform. Consequently, the study of his views offers not only a richer comprehension of the Qur'an's miraculous nature but also a deeper engagement with its enduring spiritual message.

References

- Allport, G. W. (1961). *Pattern and Growth in Personality*. New York, NY: Holt, Rinehart & Winston.
https://ia601408.us.archive.org/30/items/in.ernet.dli.2015.199562/2015.199562.Pattern-And-Growth-In-Personality_text.pdf
- Bugental, J. F. T. (1965). *The Search for Authenticity: An Existential-Analytic Approach to Psychotherapy*. New York, NY: Holt, Rinehart & Winston.
<https://a.co/d/4cz3O4L>
- Bugental, J. F. T., Schneider, K. J., & Pierson, J. F. (2014). *The Handbook of Humanistic Psychology: Theory, Research, and Practice*. California: SAGE Publications.
<https://doi.org/https://doi.org/10.4135/9781483387864>
- Darabi, J. (2018). *Theories of personality psychology (Comparative approach)*. Tehran: Ayij Publishing.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1980). Self-determination Theory: When Mind Mediates Behavior. *The Journal of Mind and Behavior*, 1(1), 33-43.
<https://www.jstor.org/stable/43852807>
- Feast, G. J., Roberts, T., & Face, J. (2012). *Theories of personality*. Tehran: Ravan Publishing.
- Frankl, V. E. (1984). *Man's Search for Meaning: An Introduction to Logotherapy*. California: Touchstone.
<https://a.co/d/7QFIZ1c>
- Ibn Manzur, M. b. M. (1993). *Lisan al-Arab* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Sader.
- Kamalvand, P., & Mohammad Ali Nejad, R. (2016). Comparative conceptualization of self-esteem in the Quran and humanistic psychology. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 7(27), 1-32.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir-e Namuneh* (Vol. 14). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Maslow, A. H. (1968). *Toward a psychology of being*. New York: Insight Books; D. Van Nostrand Company.
<https://archive.org/details/towardpsychology1968masl/page/n8/mode/1up>
- Maslow, A. H. (1987). *Motivation and personality*. Longman Publishers.
<https://a.co/d/4FLO2o6>
- Maslow, A. H. (1993). *The Farther Reaches of Human Nature*. Louisiana: Arkana.
<https://a.co/d/fys7dNN>
- Miri, S. M. H., & Khademi Afzal, F. (2018). An examination and critique of Abraham Maslow's view on self-actualization with an emphasis on Islamic sources. *Journal of Comparative Exegesis Studies*, 4(7), 57-78.
- Noorbala, A. A. (2011). Mental-social health and strategies for improvement. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 17(2), 151-156.
- Pourafkari, N. (2003). *Comprehensive dictionary of psychology and psychiatry and related fields*. Tehran: Contemporary Culture Publishing.
- Raghib Isfahani, H. b. M. (1993). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Damascus, Beirut: Dar al-Qalam.
- Rogers, C. R. (1995a). *On Becoming a Person: A Therapist's View of Psychotherapy*. California: HarperOne.
<https://a.co/d/cArrBd8>
- Rogers, C. R. (1995b). *A Way of Being*. California: HarperOne.
<https://a.co/d/78G7jj7>
- Rosenberg, M., & Owen, J. (2020). *Self-esteem and its role in resilience*. London: Sage Publications.
- Schultz, D. P., & Schultz, S. E. (2012). *Theories of personality*. Tehran: Virayesh Publishing.

- Smith, E. R., & Mackie, D. M. (2021). *Social psychology*. New York: Psychology Press.
- Snyder, C. R., & Lopez, S. J. (2014). *Positive Psychology: The Scientific and Practical Explorations of Human Strengths*. New York: SAGE Publications.
<https://a.co/d/30RzFhv>
- Tabatabai, M. H. (1997). *Al-Mizan* (Vol. 6). Qom: Dar al-Ilm.
- Veysi, O., Amiri, M., & Mohammadi, M. (2021). A comparative study of the concept of mental health from the perspective of Islam and modern psychology. *Journal of New Advances in Psychology*, 4(40), 23-45.
- Abu Hilal al-Askari, Y. B. M. (1998). *Al-Furuq al-Lughawiyah*. Nashr al-Ilm wa al-Thaqafah, Cairo, Egypt.
- Al-Hashimi, A. (1987). *Jawahir al-Balagha fi al-Ma'ani wa al-Bayan wa al-Badi'*. Al-Itimad Press, Cairo.
- Bahjatpour, A. K. (2008). *Tafsir Hamgam ba Wahy* (Vol. 2). Nasher Sibit al-Nabi, Qom, Iran.
- Baqai, I. B. O. (2008). *Nazm al-Durar fi Tanassub al-Ayat wa al-Suwar*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut, Lebanon.
- Firuzabadi, M. B. Y. *Al-Qamus al-Muhit*. Dar al-Jil, Beirut, Lebanon.
- Ibn Faris, A. H. (2003). *Maqayis al-Lugha*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut, Lebanon.
- Ibn Hisham, A. M. (1955). *Al-Sirah al-Nabawiyah*. Cairo, 2nd ed.
- Ibn Nadim, M. B. I. *Al-Fihrist*.
- Jorjani, A. B. (2003). *Dalail al-I'jaz fi Ilm al-Ma'ani*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut.
- Khoei, A. Q. (2016). *Al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Dar al-Zahra, Beirut, Lebanon.
- Khorramshahi, B. D. (1998). *Daneshnameh Quran wa Quran Pazhuhi*. Tehran: Golshan Publishing.
- Mahdi Zaytoon, A. (1992). *I'jaz al-Quran wa Asarahu fi Taqaddum al-Naqd al-Adabi*. [Place of publication not identified].
- Mir Mohammadi Zarandi, A. F. (2021). *Researches in the History of the Quran and Its Sciences*. Dar al-Ta'aruf, Beirut.
- Rajabi, M. (2004). *Methodology of Quranic Interpretation*. Research Institute of Hawzah and University, Qom, 13th ed.
- Safavi, K. (2004). *From Linguistics to Literature*. Research Institute of Culture and Art, Tehran.
- Safavi, S. (2020). *Structural Interpretation of Surah Al-Imran*. Nasher Salman Azadeh.
- Suyuti, J. D. (1989). *Mu'tarak al-Quran fi I'jaz al-Quran*. Dar al-Fikr al-Arabi, Beirut.
- Suyuti, J. D. (1993). *Al-Itqan fi Ulum al-Quran*. Muntasharat al-Razi, [Place of publication not identified], 2nd ed.
- Tabarsi, F. B. H. (1968). *Jawami' al-Jami'*. Tehran University Press.
- Tabarsi, F. B. H. (1971). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Nashr Bayan Javan, Qom.
- Tabatabai, M. H. (2023). *Al-Mizan*. Islamic Publications Office.
- Taftazani, M. S. D. *Mukhtasar al-Ma'ani*. Qom: Dar al-Fikr.
- Wahidi Nishaburi, A. (2004). *Asbab al-Nuzul*. World of Books Publishing, Beirut.
- Zamakhshari, M. B. O. (1999). *Al-Kashaf*. Maktabah Wahbah, Cairo, Egypt.
- Zarqani, M. A. (1989). *Manahil al-Irfan*. Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyyah, Cairo, Egypt.